ادامه از صفحه اول

موزائیک فرهنگی و سیاسی خاورمیانه

جنگ‌های جهانی اول و دوم کلا ساختار خاورمیانه را به‌لحاظ حکومتی و نفوذ بیگانه (اروپایی) شامل روسیه و اتحاد جماهیر شوروی تغییر داد. اختلافات مذهبی که البته از گذشته در منطقه وجود داشت به‌صورت بسیار نظام‌مند درآمد که امروز به اوج خود رسیده است.

موزائیک فرهنگی خاورمیانه را شش فرهنگ مذهبی شکل می‌دهند:

۱) تشیع که در دامنه نسبتا گسترده‌ای از منطقه خاورمیانه با مرکزیت ایران تا ساحل شرقی مدیترانه گسترده است. مذهب تشیع وابستگی بسیار زیادی با سلسله دوازده امام(ع) و چهارده معصوم خاندان نبوت دارد. هزاران امامزاده از خاندان پیامبر(ص) در سراسر ایران، به ویژه در نقاط دورافتاده و کوهستانی، دفن شده‌اند که نشان‌دهنده ترس کشته‌شدنشان توسط عوامل سلسله‌های اسلامی بنی‌امیه و بنی‌عباس و سپس مغول‌های چنگیزی در دوره تسلط آنها بر منطقه بوده است.

۲) تسنن وهابی که با کمک مستقیم بریتانیا در سرزمین کنونی عربستان سعودی مستقر شد. توماس ادوارد لورنس موسوم به لورنس عربستان در ایجاد عربستان سعودی و جدایی آن از عثمانی در تاریخ جنگ جهانی اول کاملا شناخته شده است و نیازی به تکرار ندارد. عربستان نه‌تنها هرگز با ایران همکاری و دوستی نداشته بلکه تا آنجا که از دستش برآمده با کمک قدرت‌های غربی شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس را هم علیه ایران شورانده است.

۳) ترکیه کنونی که بازمانده عثمانی ساقط‌شده ازسوی قدرت‌های غربی است. امپراتوری عثمانی را فرزندان چنگیزخان با استفاده از ضعف ایران و بیزانس -که حاصل ۷۰۰ سال جنگ مداوم آنها بود- تشکیل دادند و سقوط آن نیز توسط قوی‌ترین قدرت غربی یک صد سال پیش، یعنی بریتانیا (با کمک فرانسه) صورت گرفت که جزئیات آن در بالا گفته شد. دیگر بخش‌های جداشده از امپراتوری عثمانی در فاصله سواحل شرقی مدیترانه در قراردادهایی به مدیریت سایکس-پیکو به کشورهای کوچک و بریده از هم تبدیل شدند که به جای همکاری با یکدیگر به جان هم بیفتند. نمونه آشنا برای ما پاره‌پاره‌شدن کردستان است که دولت ترکیه مردم آن را «ترک‌های کوهستان» می‌خواند. اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی ترکیه تنها یک آرزو دارد و آن احیای امپراتوری عثمانی و بازگرداندن سرزمین‌های ازدست‌رفته ازجمله عربستان سعودی به زیر چتر مدیریت ترکیه و احیای تسنّن ترکی در آینده است.

۴) پاکستان که به کمک غرب از ترکیب بخش‌هایی از سرزمین‌های هندوستان و ایران شکل گرفت. مردم پاکستان بیشتر سنی مذهب‌اند و دولت آن گرایش زیادی به همکاری با ترکیه دارد، اگرچه به لحاظ جغرافیایی از ترکیه دور است.

۵) امارات متحده عربی در خلیج فارس. این امارت‌ها هرگز در طول تاریخ با هم متحد نبوده و همواره در خدمت قدرت‌های دریایی غربی از جمله پرتغال و انگلیس قرار داشته‌اند. متحدکردن آنها ازسوی بریتانیا صورت گرفت و سپس با ضعف تدریجی بریتانیا به خدمت آمریکا درآمدند. امروز هم همه آنها خود را به عربستان و آمریکا نزدیک کرده و نه تنها با ایران همکاری صمیمانه ندارند بلکه حتی از بردن نام «خلیج فارس» خودداری می‌کنند.

۶) کشورهای مستقل‌شده از اتحاد جماهیر شوروی، عمدتا در شمال و شمال شرق ایران که مانند سایر همسایگان ایران به آمریکا و ناتو اجازه ایجاد پایگاه برای پایش ایران را داده‌اند، اما حالتی مشترک‌المنافع با روسیه دارند و زبان روسی در آنها رایج است؛ حالتی که زبان انگلیسی در هند و پاکستان دارد.

اگرچه مجموعه کشورهای اسلامی به صورت یک موزائیک یا لحاف چهل‌تکه در جوار هم قرار دارند، اما به جای همکاری با یکدیگر در خدمت قدرت‌های غرب (و اخیرا) شرق درآمده‌اند. همه با هم رقیب‌اند؛ به گونه‌ای که تصویر «جهان اسلام» را تیره و تار کرده‌اند. قدرت‌های بزرگ غربی هم که همه هویت دینی-فرهنگی خود را از خاورمیانه گرفته‌اند، امروز خاستگاه ادیان الهی را در چنگال خود گرفته و به رواج فساد درونی آنها پرداخته‌اند.

محمد سلامتی در گفت‌وگو با «شرق»:

کشاندن اختلافات سیاسی به نیروهای نظامی مغایر امنیت ملی است

عکس: امیر جدیدی

هستی قاسمی: هر اندازه که به پایان دولت حسن روحانی نزدیک‌تر می‌شویم، آینده سیاسی ایران در ابهام بیشتری قرار می‌گیرد. از یک سو پارلمان ایران قانونی را مصوب کرده که اگر رئیس‌جمهور تن به اجرای آن بسپارد، مشخص نیست تیم امنیتی- دیپلماتیک جو بایدن چه موضعی در برابر آن اتخاذ کند. البته خوشبختانه به‌تازگی رهبر انقلاب صراحتا اعلام کرد: «اگر بتوان تحریم را رفع کرد؛ حتی یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم». از دیگر سو، فضای سیاسی ایران در آستانه انتخابات ۱۴۰۰ نه سرد؛ بلکه با کوهی از یخ روبه‌روست که تنها نوک قله آن از آب بیرون زده است؛ چراکه احتمال ردصلاحیت گزینه‌های مطرح اصلاح‌طلب مانند انتخابات‌های ادوار گذشته وجود دارد و از سویی دیگر احتمال اینکه نامزد و حتی نامزدهای نظامی در رقابت با اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در صحنه انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم حضور جدی داشته باشند، بعید نیست. البته با توجه به برگزاری جلسه اخیر شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان با احزاب این جریان، به نظر اصلاحات قرص و محکم ایستاده است که تنها با نامزد تأیید صلاحیت‌شده اصلاح‌طلب به صورت صددرصدی در انتخابات شرکت کند؛ اما همچنان جای این سؤال باقی است که آیا اگر آقای دیپلمات! در کنار یک نامزد دست‌اول یا دست‌چندم اصلاح‌طلب در صحنه انتخابات حضور داشته باشد، در آن سوی کارزار هم دیپلمات شکست‌خورده عرصه دیپلماسی اصولگرایان، آن‌گاه اصلاح‌طلبان یا حتی بدنه مردمی این جریان کماکان بر حمایت از نامزد اصلاح‌طلب تأکید خواهند کرد؟ براساس‌این محمد سلامتی معتقد است: «دیپلماتی که معروف به اصلاح‌طلب نیست؛ اما حاضر است این شروط را بپذیرد، به نظر من یک عضو جدید در جرگه اصلاح‌طلبان محسوب می‌شود». درباره مسائل مذکور، «شرق» با محمد سلامتی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به گفت‌وگو پرداخته است.

پس از مصوبه اخیر مجلس درباره لغو تحریم‌ها شاهد ارسال‌نشدن پالس منفی برای مذاکره هستیم. با وجود برخی سنگ‌اندازی‌های آشکار که این روزها تبدیل به دغدغه عموم جامعه شده است، آیا می‌توان به بهبود شرایط امیدوار بود؟

برای پاسخ به این سؤال بد نیست که ابتدا به ساختار و شیوه برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی در سطح کلان در آمریکا اشاره‌ای داشته باشیم. در آمریکا اکثر امور راهبردی و اساسی از سوی کانون‌های مشاوره‌ای نظیر «مؤسسه مطالعاتی راند» و «شورای روابط خارجی» ارائه می‌شود و معمولا دولت‌ها در همان چارچوب‌ها عمل می‌کنند. یکی از راهبردها در سیاست خارجی آمریکا حمایت بی‌قیدوشرط از رژیم صهیونیستی است. علاوه‌براین نمایندگان مجلس و نمایندگان مجلس سنا نیز به دلیل اینکه عمدتا با کمک و حمایت‌های لابی‌های صهیونیستی به این مقام می‌رسند، موظف به حمایت جدی آن رژیم می‌شوند؛ بنابراین این امر همواره در دستور کار همه دولت‌های ایالات متحده اعم از جمهوری‌خواه و دموکرات قرار می‌گیرد؛ اما برای اعمال این سیاست ممکن است احزاب مذکور روش‌های متفاوتی اتخاذ کرده یا شخص رئیس‌جمهور درباره آن حساسیت بیشتر یا کمتری داشته باشد. همان‌طورکه در دولت اوباما رفتار طوری بود که بارها مورد انتقاد شدید نتانیاهو قرار گرفت و در دولت ترامپ اوج حمایت و طرفداری از منافع اسرائیل مشاهده شده، به شکلی که بارها مورد تقدیر نتانیاهو قرار گرفته است. موضوع برجام یک موضوع صرفا مرتبط با منافع و امنیت ملی آمریکا نیست؛ بلکه موضوعی است که صهیونیست‌ها آن را با امنیت خود مرتبط می‌دانند. به‌همین‌دلیل از تمام اهرم‌های فشار خود در آمریکا و اروپا و جاهای دیگر در راستای ازبین‌بردن آن استفاده می‌کنند. آنها از لابی قدرتمند صهیونیستی به نام «ایپک» و نفوذ در کنگره نیز برای این کار بهره می‌برند. بنابراین اگرچه ترامپ به شکل غیرقانونی، غیرمنطقی و قلدرمآبانه درباره منافع اسرائیل، آمریکا را از برجام خارج کرد؛ اما این به معنی آن نیست که بایدن به منافع اسرائیل توجه نکند. ضمنا ترامپ طوری خراب‌کاری کرد که بایدن هم به‌راحتی نتواند کار را به سامان برساند؛ به‌ویژه آنکه کانون‌های قدرت هم ممکن است به‌راحتی اجازه برگشت صددرصد به برجام را ندهند؛ اما به نظر من بایدن برای اعاده حیثیت آمریکا و تعدیل تندروی‌های ترامپ، انگیزه برای برگشت به برجام را دارد؛ پس احتمال می‌رود با ملاحظاتی قدم‌های مؤثری در این راستا بردارد.

در صورت حل احتمالی مسئله برجام و بهبود وضعیت اقتصادی مردم تا چه اندازه می‌توان به برگزاری انتخاباتی رقابتی، میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان برخلاف انتخابات مجلس اخیر امید داشت؟

به نظر من انتخابات رقابتی خیلی به برجام و مسائل خارجی ارتباطی ندارد، بیشتر به ایجادشدن یا ایجادنشدن شرایط رقابت مربوط می‌شود. وقتی عناصر اصلی یک جناح یعنی اصلاح‌طلبان از سوی ارگان نظارتی از دور انتخابات خارج می‌شوند، رقابت بی‌معنی می‌شود؛ حتی اگر ده‌ها بهانه برای این کار تراشیده شود. البته به نظر می‌رسد بهبود وضعیت اقتصادی از لحاظ روانی می‌تواند مردم را به آرامشی برساند که آمادگی بیشتری برای آمدن سر صندوق‌های رأی پیدا کنند.

برخی از دل مجموعه منصوب به کارگزاران اعلام می‌کنند راه خروج از مشکلات، بی‌توجهی مردم به دو جریان سیاسی است؛ این‌گونه اظهارنظرات تا چه اندازه منطبق بر واقعیت‌هاست؟

دو جریان موجود ریشه در بدنه جامعه دارند؛ حالا یکی کمتر، یکی بیشتر. بنابراین به راحتی نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. آنها از مریخ نیامده‌اند که هرموقع هرکس خواست به کارشان خاتمه دهد. دو جریان سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا، سخنگویان قشرهای وسیعی از جامعه‌اند و برای خود رسالت قائل هستند. بنابراین اظهاراتی از این دست ناشی از عدم توجه به واقعیت‌های اجتماعی است. البته می‌توان انتظار داشت که طی زمان و در شرایطی که جریانات سیاسی به دلیل جداافتادن از بدنه اجتماعی که سخنگوی آن هستند، مطالبات واقعی آنها را خوب درک نکنند، آن‌وقت مردم به تدریج ضمن اینکه از جریانات سیاسی ذی‌ربط دور می‌شوند، از جریانات سیاسی دیگری که بتوانند مطالبات آنها را پیگیری کنند، حمایت می‌کنند. اما به نظر من، هنوز چنین شرایطی پیش نیامده است؛ نه جریانات سیاسی موجود از مردم دور شده‌اند و نه جریانات سیاسی جدید مورد قبول مردم در عرصه سیاسی ظاهر شده‌اند.

چنانچه مسئله مناقشه ایران و آمریکا به سمت مذاکره پیش برود آیا می‌توان به حضور حداکثری مردم و ترمیم اعتماد عمومی از سوی اصلاح‌طلبان در انتخابات آتی امیدوار بود؟

مناقشه میان ایران و آمریکا به تدریج پیچیدگی‌هایی پیدا کرده است. این مسیر، علاوه بر مسئله هسته‌ای که مورد توجه خاص آمریکا و اسرائیل بود، اکنون ابعاد وسیع‌تری پیدا کرده که موضوع توان موشکی و حضور منطقه‌ای ایران را هم می‌خواهند به آن اضافه کنند. این موضوع در سخنان جو بایدن و بعضی دیگر از افراد منصوب بایدن مشاهده می‌شود. این امر موجب شده است که برخی از کشورهای دیگر نیز به شکلی دنبال سوءاستفاده و امتیازگیری به این بهانه بیفتند. اظهارنظر اخیر وزیر خارجه آلمان و حتی مدتی قبل به اتفاق انگلیس و فرانسه و نیز اظهارات اخیر مقامات کشورهای مرتجع منطقه در این خصوص، حکایت از این امر دارد که دارند جلوی حل مسئله سنگ‌اندازی می‌کنند. بنابراین امیدواری صددرصد به حل کامل مناقشه بین ایران و آمریکا در کوتاه‌مدت دور از واقعیت است. اما علی‌رغم این، بی‌تردید اگر شرایط به سمت حل مشکل تحریم‌ها پیش رود که پیش‌بینی می‌شود به شکل نسبی پیش خواهد رفت، حداقل از لحاظ روانی، انگیزه برای مشارکت در انتخابات بیشتر می‌شود. اما هیچ‌گاه نباید انتخابات را به مسائل خارجی گره زد و اصلاح‌طلبان نباید منتظر چنین شرایطی باشند، بلکه باید با تبلیغ برنامه و اهداف خود قشرهای مختلف مردم را به رفتن پای صندوق‌های رأی تشویق کنند.

اگر اصلاح‌طلبان با نماینده خود در انتخابات شرکت کنند، اقبال عمومی بیشتری خواهند داشت یا با یک چهره دیپلماتیک که عملا این روزها تندروها در برابر وی موضع گرفته‌اند؟

به نظر من اصلاح‌طلبان باید کسی را کاندیدا کنند که در مقابل عملکرد او آمادگی داشته باشند خود را مسئول کامل برنامه‌ها و اقدامات او بدانند و نیز آنها در این زمینه به مردم پاسخ‌گو باشند و از سوی دیگر کاندیدای آنها نیز خود را موظف به پیگیری برنامه اصلاح‌طلبان و پاسخ‌گو به آنها بداند. تأمین این دو مورد مهم به معنی این است که کاندیدای اصلاح‌طلبان باید یک اصلاح‌طلب باشد. دیپلماتی که معروف به اصلاح‌طلب نیست، اما حاضر است این شروط را بپذیرد، به نظر من یک عضو جدید در جرگه اصلاح‌طلبان محسوب می‌شود. بنابراین باید اصل کاندیداتوری را بر پاسخ‌گودانستن در قبال مردم گذاشت نه صرفا دیپلمات‌بودن. البته اگر چنین اتفاقی بیفتد، در حقیقت اصلاح‌طلبان با نماینده خود وارد رقابت‌های انتخاباتی شده‌اند.

اساسا با توجه به موضع مجلس نسبت به برجام، اصلاح‌طلبان باید چه کار کنند تا تندروها منافع ملی را فدای اهداف سیاسی خود قرار ندهند؟

نباید این‌طور تلقی کرد که هرکس مواضعش خلاف نظر ما و افراطی به نظر می‌رسد حتما دنبال قدرت بوده و منافع ملی را در نظر نمی‌گیرد. بعضی ممکن است صادقانه چنین نظری داشته باشند و تأمین منافع ملی را در اتخاذ شیوه خودشان ببینند. البته درست است که عده‌ای ممکن است فرصت‌طلبانه عمل کنند و حتی برخی نیز از صداقت دیگران در جهت منافع شخصی خود سوءاستفاده کنند و با آنها همراه شوند. اما به‌هرحال اصلاح‌طلبان تنها راهی که دارند، این است که مسائل را صادقانه و همه‌جانبه تحلیل و با مردم در میان بگذارند. مردم جهت‌گیری‌ها را در ارتباط با منافع خود خوب تشخیص می‌دهند. اما درباره مصوبه مجلس چند سؤال به ذهن خطور می‌کند: ۱- چرا مهلت دو ماه برای اجرای این مصوبه در نظر گرفته شده، یعنی تقریبا در محدوده زمانی که هنوز ترامپ قدرت را در اختیار دارد. از آنجا که بعید است در این محدوده زمانی اروپایی‌ها خود را با آن تطبیق دهند، طبق این قانون ایران باید به تعهدات خود عمل نکند. آیا این همان چیزی نیست که بارها وزیر خارجه آمریکا دنبالش بود تا با این بهانه مکانیسم ماشه را فعال کند و همه موظف به رعایت آن شوند. ۲- سه سال مردم ایران فشار حداکثری را تحمل کردند. به اذعان بسیاری از دولتمردان و اندیشمندان و رسانه‌های آمریکا این فشار حداکثری با شکست مواجه شده و ایران را قوی‌تر و تهاجمی‌تر کرده است. به همین علت رئیس‌جمهور بعدی اعلام کرده است تصمیم دارد به برجام برگردد. در واقع آمریکا شکست خود را پذیرفته و می‌خواهد به برجام برگردد. آیا نمی‌شد دو ماه دیگر هم صبر کرد و اگراحیانا آمریکا بازهم دبه درآورد، آن‌وقت در ایران همه با هم علیه‌اش عمل کنند؟ این را باید از افراطی‌های مجلس پرسید.

برخی بر این اعتقادند برای اینکه بیش از این از مسئله برجام از سوی تندروهای مجلس بهره‌برداری سیاسی نشود، اصلاح‌طلبان به خاطر منافع ملی اعلام کنند که در انتخابات پیش‌رو هیچ کاندیدایی ندارند؛ چنین اقدامی به مفهوم پیشکش‌کردن صحنه انتخابات به تندروها نیست و به وخیم‌ترشدن اوضاع نمی‌انجامد؟

بله، درست است. برخورد انفعالی اصلاح‌طلبان دردی را دوا نمی‌کند. حتی ممکن است طرف مقابل را جری‌تر هم بکند و حتی ممکن است در تمام انتخابات‌ها از همین تاکتیک یا شبیه آن استفاده کند تا رقیب را بدون رقابت از صحنه خارج کنند. حذف رقیب بدون رقابت نباید تبدیل به امری عادی برای اصولگرایان شود. ضمنا همیشه در رقابت‌های انتخاباتی مسئله‌ای مورد توجه وجود دارد که هریک از رقبا راه‌حلی برای آن دارند. اگر قرار باشد یک طرف خود را کنار بکشد، بی‌خاصیتی و بی‌برنامگی خود را به اثبات می‌رساند. ضمنا بخشی از جناح رقیب بینشی دارند که بود و نبود اصلاح‌طلبان در پیگیری آن اثری ندارد. به نظر من در چنین مواقعی اصلاح‌طلبان باید تلاش کنند تا راه‌حل مناسب را پیدا کنند.

اگر به دلایلی از جمله سنگ‌اندازی‌های مجلس در حل مسئله برجام و عدم بهبود معیشت، عموم اصلاح‌طلبان در انتخابات پیش‌رو شرکت نکنند، آیا در این صورت شاهد حضور نظامی‌ها در انتخابات پیش‌رو خواهیم بود؟

به نظر من اصلاح‌طلبان اصل را بر شرکت در انتخابات می‌گذارند و وظیفه خود می‌دانند که در انتخابات حضور فعال داشته باشند. اما اگر با مستمسک قراردادن نظارت استصوابی و شیوه‌های دیگر جلوی حضور آنها گرفته شود، دیگر کاری از آنها ساخته نیست جز اعتراض افشاگرانه. اما عدم بهبود معیشت مردم درحال‌حاضر که خیلی مستقیم ربطی به اصلاح‌طلبان ندارد و نیز سنگ‌اندازی‌ها، اتفاقا عزم اصلاح‌طلبان را برای حضور در انتخابات بیشتر می‌کند. اما حضور نظامی‌ها در انتخابات همان‌طور که در گذشته هم اتفاق افتاده ربطی به حضور یا عدم حضور اصلاح‌طلبان ندارد. آنها عموما در جناح مقابل، بین خودشان در مورد صلاحیت‌های خاص کاندیدای ریاست‌جمهوری، رقابت دارند. بنابراین به نظر می‌رسد در این دوره هم مثل دوره‌های قبل از جناح مقابل نظامی‌ها هم به موازات غیرنظامی‌ها کاندیدا شوند.

چرا هربار که سخن از گزینه نظامی به میان می‌آید، اصلاح‌طلبان تلاش می‌کنند عزم خود را با وجود احتمال شکست در انتخابات جزم کنند تا در نتیجه انتخابات اثرگذار باشند؟

اگرچه اصلاح‌طلبان گزینه نظامی را برای ریاست‌جمهوری مناسب نمی‌دانند و معتقدند چنین گزینه‌ای عموما به انسداد سیاسی و محدودیت‌های مدنی بیشتری می‌انجامد اما هیچ‌گاه حساسیت شدیدی در قبال کاندیداتوری آنها بیش از آنچه در مورد دیگر کاندیداهای رقیب بوده، از خود نشان نداده‌اند. چون دیده شده که کاندیداهای جناح رقیب به لحاظ بینش سیاسی تفاوت چندانی با هم ندارند. اما مشکل مهمی که حضور نظامی‌ها در عرصه رقابت‌های سیاسی و ازجمله انتخابات ایجاد می‌کند، کشاندن اختلافات سیاسی به درون نیروهای نظامی است که به لحاظ امنیتی کاری مغایر امنیت ملی است. نیروهای نظامی و انتظامی باید از رقابت‌های سیاسی دور بوده و نگاهشان باید فراجناحی باشد تا همه مردم، آنها را از خود بدانند. اما اگر اختلافات جناحی در داخل نیروهای مسلح نفوذ کند، ضربه‌پذیری آنها افزایش پیدا می‌کند. به همین علت است که در همه دنیا از حضور نظامیان در عرصه رقابت‌های سیاسی جلوگیری می‌شود.

عده‌ای از همین مردم عادی نیز یک چهره نظامی را، راهکارعبور از مشکلات بنیادی می‌دانند، علت وجود چنین تفکری در میان بخش‌هایی از جامعه چیست؟

معمولا در فضای بحرانی جامعه و فشارهای اقتصادی، کارشکنی‌ها و مهم‌تر از آنها ضعف مدیریت، خودبه‌خود بعضی نگاه‌ها به سمت ضرورت قاطعیت می‌رود. نظامی‌ها در رابطه با قاطعیت شهره‌اند. اما در دنیا کمتر اتفاق افتاده است که یک نظامی ضمن دارابودن قاطعیت، برنامه همه‌جانبه‌ای را نیز به شکل دموکراتیک به اجرا بگذارد. بعضی از مردم در این شرایط به دلیل فشاری که احساس می‌کنند، عمدتا به قسمت اول بیشتر توجه دارند. اما تجربه ثابت کرده است قسمت دوم به شکل روشن‌تری خود را نشان داده و ضعف مدیریت در دولت‌های نظامی بیشتر است. چنانکه حکومت السیسی در مصر، پرویز مشرف در پاکستان و... نتوانستند مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را حل کنند. اما حضور آنها در قدرت انسداد سیاسی را به ارمغان آورد.

جامعه ایران پیش‌ازاین، از گزینه‌ای که شعار مدنی و تعامل با جهان را سر می‌داد، به دلیل وضعیت موجود ناامید شد. در انتخابات پیش‌رو تا چه اندازه ممکن است نسبت به گزینه نظامی اقبال نشان دهند؟

مردم تابه‌حال به گزینه‌های نظامی اقبال نشان نداده‌اند. بعید می‌دانم در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم نیز غیر از این عمل کنند. به‌ویژه اگر اصلاح‌طلبان با گزینه مناسب و برنامه جامع و عملی، مجدانه در انتخابات حضور پیدا کنند. اما شعار جامعه مدنی و تعامل با جهان چیزی نیست که منحصر به یک دولت باشد. اقتضای شرایط امروز دنیا، به‌رسمیت‌شناختن معیارهای جامعه مدنی است؛ بدون آن هیچ دولتی نمی‌تواند دوام بیاورد. آزادی، دموکراسی، انتخابات آزاد، تساوی همه در قبال قانون، قانون‌مداری و... مواردی نیست که مردم به‌راحتی از آنها عبور کنند و اصولا برای همین انقلاب کردند. حالا اگر شرایط حادی حاکم شده که دولت در آن نقشی نداشته، نباید همه کاسه‌کوزه‌ها سر دولت شکسته شود. البته درست است که دولت می‌توانست با اتخاذ تدابیری فشارها را کاهش دهد. اما همین هم حدی دارد. موضوع تحریم‌ها با آن حدت‌وشدت که به‌تنهایی می‌تواند هر کشوری را از پا در بیاورد و درهمین‌حال مشکل کرونا که قدرتمندترین اقتصادها را به چالش کشیده است، چیز کمی نیست. دولت با این هیولاها مواجه شده است. به این اضافه کنید مانع‌تراشی‌ها و کارشکنی‌های داخلی را. مردم اگر به این مهم توجه داده شوند، به دلیل ذات پاکشان، کاستی‌ها برایشان بیشتر قابل‌قبول و تحمل می‌شود.

کوتاه دیپلماسی

مذاکرات مشاور امنیت ملی افغانستان در ایران

● روز گذشته حمدالله محب، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور افغانستان با علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد. به گزارش فارس، دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور افغانستان گفت جمهوری اسلامی مصمم است با گرفتن انتقام سخت از آمران و عاملان ترور شهید سلیمانی، از تداوم اقدامات تروریستی، تشنج‌آفرین و ضدامنیتی آمریکا و عمالش جلوگیری و آنان را وادار به خروج از منطقه کند. حمدالله محب نیز با ارائه گزارشی از روند گفت‌وگوهای صلح در افغانستان افزود: متأسفانه باوجود توافقات امضاشده بین آمریکا و طالبان، حملات و اقدامات مخرب این گروه نه‌تنها کاهش نیافته بلکه سیر صعودی نیز داشته است. وی با تمجید از نقش مؤثر و سازنده جمهوری اسلامی ایران برای برقراری صلح و ثبات در افغانستان خاطرنشان کرد: گروه طالبان با سوءاستفاده از توافق با آمریکا در تلاش برای تحمیل شرایط خود و وادارسازی دولت افغانستان به تسلیم بود ولی ما با تأکید بر مواضع اصولی و قانونی خود مقابل زیاده‌خواهی آنان ایستادگی کردیم. به گزارش ایسنا، ظریف نیز در دیدار جداگانه با حمدالله محب حمایت از جمهوری اسلامی افغانستان را سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران دانست و با اشاره به لزوم خروج آمریکا از افغانستان اظهار کرد: ما راه‌حل فراگیر سیاسی با حضور همه گروه‌های افغانستانی را بهترین تضمین‌کننده صلح پایدار در این کشور می‌دانیم. ظریف با تأکید بر ضرورت تعمیق رایزنی‌ها میان دو کشور دوست و همسایه در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، از افتتاح راه‌آهن خواف - هرات ابراز خرسندی کرد و آن را زمینه‌ای برای گسترش همکاری‌های دو کشور و ارتباط سریع‌تر با مناطق شرقی ارزیابی کرد و افزود: ضرورت دارد در جهت افزایش همکاری‌های مرزی، گذرگاه دوغارون بهینه‌سازی شود. حمدالله محب، مشاور امنیت ملی افغانستان نیز در این ملاقات ضمن ارائه گزارشی از آخرین تحولات مربوط به گفت‌وگوهای صلح، از مواضع جمهوری اسلامی ایران در حمایت از دولت و ملت افغانستان قدردانی کرد و بر ضرورت گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی فی‌مابین تأکید کرد. حمدالله محب همچنین با اشاره به افتتاح راه‌آهن خواف - هرات، اظهار امیدواری کرد همکاری‌های منطقه‌ای با این‌گونه خطوط ارتباطی تقویت شود. همکاری‌ها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی، برگزاری کمیسیون مشترک دو کشور و پیگیری پروژه‌های دیگر در دست انجام و به‌ویژه همکاری بیشتر در حوزه آب، از محورهای دیگر مذاکرات وزیر امور خارجه کشورمان و مشاور امنیت ملی افغانستان بود.

تأکید روسیه بر بازگشت بدون پیش‌شرط آمریکا به برجام

● **ایلنا:** روسیه خواهان بازگشت بدون‌پیش شرط آمریکا به برجام شد. به گزارش تاس، وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای گفت: بازگشت ایالات متحده به برجام باید بدون هیچ پیش‌شرطی باشد. شرکای ما آماده همکاری در این راستا هستند و آماده هستیم تا به آمریکایی‌ها کمک کنیم در مسیر درست قرار بگیرند.

۴ راهکار پیشنهادی وزیر خارجه چین در نشست وزیران عضو برجام

● **ایسنا:** سخنگوی وزارت امور خارجه چین با مطرح‌کردن اینکه خروج آمریکا از برجام دلیل اصلی انحراف این توافق از مسیر درستش است، به چهار راهکار پیشنهادی وزیر امور خارجه این کشور برای حل‌وفصل مسائل درباره توافق در نشست دیروز وزرای امور خارجه کشورهای عضو برجام اشاره کرد. هوآ چونیینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در پیامی توییتری درباره خروج آمریکا از توافق هسته‌ای نوشت: خروج آمریکا از برجام (توافق هسته‌ای) و فشار حداکثری‌اش بر ایران، دلیل اصلی منحرف‌شدن مسئله هسته‌ای ایران از مسیر درست است. بازگشت آمریکا به توافق و ازسرگیری پایبندی به آن، راه درست کاهش تنش‌هاست. چونیینگ همچنین در یک رشته توییت به چهار راهکار ارائه‌شده توسط وانگ یی، وزیر امور خارجه چین در جلسه مجازی وزرای امور خارجه کشورهای عضو برجام اشاره کرد که روز گذشته برگزار شد. این چهار راهکار شامل موارد زیر است که سخنگوی وزارت خارجه چین آنها را در صفحه توییترش مطرح کرد:

۱. تلاش بی‌وقفه برای حمایت از برجام و علیه فشار حداکثری انجام شود.

۲. در راستای بازگشت بی‌قیدوشرط آمریکا به برجام تلاش شود. آمریکا باید تحریم‌ها علیه ایران و نهادها و افراد طرف سوم را لغو کند.

۳. مسائل مربوط به پایبندی منصفانه و بی‌طرفانه حل‌وفصل شود.

۴. مسائل امنیت منطقه به‌درستی کنترل شود.

چین پیشنهاد کرده است یک فرصت مذاکراتی چندجانبه در منطقه خلیج فارس برای آغاز روند گفتمانی فراگیر در راستای رسیدن به اتفاق‌نظر بر سر مسائل امنیت منطقه به‌واسطه رایزنی برابر و پیشرفتی تدریجی ایجاد شود.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران (سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی شماره ۱۷۶/ج م/ ۹۹ مربوط به خرید پکیج ۵۰ تن دو پارچه هوایی- درخواست شماره ۹۷۰۰۴۱۲

شماره مجوز: ۱۳۹۹.۵۴۶۱

نوبت اول

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی (خرید پکیج ۵۰ تن دو پارچه هوایی) به شماره (۲۰۹۹۰۹۲۶۶۰۰۰۰۱۰۲) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۹۹/۹/۱۹ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد. حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۰ امتیاز می‌باشد. در ضمن فقط کالای ساخت داخل مدنظر می‌باشد.

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: روز چهارشنبه تاریخ: ۹۹/۱۰/۲۴

مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: روز چهارشنبه تاریخ: ۹۹/۱۱/۰۸

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار: گچساران- فلکه الله- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران- تلفن: ۳۲۲۲۲۰۸۹-۳۱۹۲۱۸۲۶-۰۷۴

مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱

دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸